



ج

ج [J] : علامت نغمه سوم از اکتاو اول به روی وتر بم در مبحث تقسیم وتر در موسیقی قدیم ایران.

جایجائی [Jābejāi] : نوعی علامت انتقالی در موسیقی است. جایجائی شامل بر جهت یابی ملودی ها، ساختمان هارمونی ها و طرح فرمال است. جایجائی در نتیجه تأکیدهای تنظیم ایجاد می شود و بوسیله هارمونی فونکسیونل شکل می گیرد.

جایجائی متریک [Jābejāiye Metrik] : از ساده ترین حرکت های سه گانه که از تأکیدهای متناوب و منظم حاصل می شود. در قطعات مارش و والس که تأکیدهای قوی تری دارند این حرکت به چشم می خورد.

جایجائی ملودیک [Jābejāiye Melodik] : تغییرات ملودی، و زیر و بم شدن آن، تا حدودی حرکت را در موسیقی توجیه می کند. هر ملودی دارای نقطه آغاز و نقطه پایان است، از این رو به سوی هدف توجیه شده است. ملودی در مرحله حرکت به سوی هدفی تازه، وجود خارجی می یابد.

جایجائی هارمونیک [Jābejāiye Hārmonik] : گونه بسیار قوی حرکت در موسیقی ناشی از این نوع جایجائی است.

جار زدن [Jār zadan] : ندا در دادن، به آواز بلند مطلبی را به آگاهی عموم رساندن. جار زدن معمولاً همراه با آلات موسیقی کوبه ای انجام می گرفته است.

جاز [Jāz] : موسیقی گروهی، رایج بین سیاه پوستان آفریقائی در آمریکا. ریشه های این موسیقی قدیمی تر از آن است که آن را موسیقی قرن بیستم نامیده اند. این موسیقی، از بداهه سرائی برخوردار است. در حقیقت بداهه سرائی، مرکز ثقل هنر جاز است.

جاسبی [Jāsebi] : از تعزیه خوان های معروف سال های پیش و بعد از ۱۳۳۵ خورشیدی.

Ā,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
 Z,z زاله (Zāle) C,c U,u حوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Irān) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

جام و مهره (Jām va Mohre) : زنگی بزرگی بوده از جنس مس به شکل جام. این زنگ ریسمانی داشته که به انتهایش مهره ای از جنس پولاد بسته بوده اند. در میدان جنگ این زنگ را به پشت فیل نهاده و بهنگام ضرورت مهره را سخت به بدنه جام می کوبیدند.

جامی، نورالدین عبدالرحمان (Nur-eddin Abdol-Rahmān Jāmi) : جامی در سال ۸۱۷ هجری قمری در خرجرد - جام بدنیا آمد. جامی در کودکی به همراه پدر به هرات رفت و چندی در مدرسه نظامیه آن جا اقامت گزید. هرات در آن سال ها، مهد ادب و ذوق ایران و یکی از شهرهای فرهنگی و آبادان بشمار می رفت. سلطان حسین بایقرا و وزیرش؛ امیر علی شیر نوائی در آن جا به تشویق و حمایت هنرمندان و صاحبان ذوق مشغول بودند. جامی، پس از فراگیری فنون ادب، به سمرقند رفت و مدتی در آن جا به کسب دانش پرداخت. از جامی آثاری در نظم و نثر بشرح زیر باقی مانده است:

۱ دیوان کامل اشعار او مشتمل بر قصیده ها، غزل ها و رباعیات

۲ هفت اورنگ: شامل مثنوی های ناب و نظم داستان یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون، خرد نامه اسکندری

و بهارستان

جامی در سال ۸۹۸ هجری در هرات چشم از جهان فرو بست.

جانان، نصرت (Nosrat Jānān) : نوازنده سرشناس ضرب و همدوره با جهانگیر ملک، ناصر فرهنگ فر، اکبر قهرمان، اصغر فرهمند و هوشنگ مهرورزان.

جانبازیان، سرکیس (Sarkis Jānbāzyān) : از اعضای موسس انجمن موسیقی ملی که در تاریخ ۶ تیر ماه ۱۳۲۳ خورشیدی تشکیل شد. سرکیس جانبازیان، استاد بالت و صاحب هنرستان بالت در تهران بود.

جان فرا (Jān Fazā) : از مقام های موسیقی قدیم ایران، دایره ۵۰ از ۸۴ دایره حاصله از اضافات طبقات اول و ثانی دوره های موسیقی.

جان نثار، زهرا (Zahrā Jānnesār) : از صداپرداران با سابقه در رادیو تلویزیون ایران در تهران.

جاودانی، میشا (Mišā Jāvedāni) : از ترانه سرایان پرکار خارج از کشور که ترانه هایش را خوانندگان بسیاری خوانده اند.

جاوید، آموزشگاه موسیقی [Āmuzešgāhe Musiqiye Jāvid] : آموزشگاه صاحب نام تهران به سرپرستی استاد عبدالله جهان پناه که در سال های پیش و پس از ۱۳۴۰ خورشیدی هنرجویان بسیاری را تعلیم موسیقی داده است.

جاویدان، درویش [Darviš Jāvidān] : خواننده صاحب سبک پیش از انقلاب که از او اجرای ترانه های ماندگار: "درویش"، "زندگی"، "تو که هستی"، "کاخ امید"، "لیلی"، "زمانه"، "مهربونی"، "میخانه"، "بابا کوهی"، "یادگاری"، "خونه سرده"، "دو تا چشم سیاه داری" و ... در دسترس می باشد.

جاوید، صابر [Sāber Jāvid] : صابر جاوید در سال ۱۳۳۳ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پس از پایان دوره متوسطه، در رشته هنرهای زیبا موفق به دریافت فوق دیپلم شد. صابر جاوید، در سن ۱۸ سالگی، نواختن پیانو را از هنرمندی بنام سِرژ ماکاریان آموخت و بعد ها در ۳۲ سالگی، نزد استاد علی اکبر سرخوش در قسمت مکانیسم پیانو و ساز سنتور، تجارب گرانبھائی کسب نمود، سپس به تاسیس کارگاهی بنام "ماهور" اقدام و در آن جا مشغول کار گشت. سازھائی که توسط این هنرمند ساخته می شود عبارتند از: سه تار، تار، قانون، عود و سنتور.

صابر جاوید از نوازندگان خوب سنتور بشمار می رود. استادھائی که جاوید صابر را تعلیم داده اند عبارتند از: استاد فضل اله توکل، استاد رحمت اله حجازی و استاد لاله زاریان.

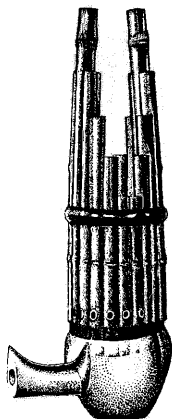
جاوید، صفر علی [Safar-Ali Jāvid] : سرپرست ارکستر آذربایجانی رادیو ایران در سال های پیش و پس از ۱۳۳۵ خورشیدی.

این ارکستر، سرپرست دیگری نیز بنام علی سلیمی داشت. صفر علی جاوید، شاگردان بسیاری را تعلیم داده است از آن جمله: خواننده خوش صدا و معروف؛ رشید وطن دوست.

جاهد، مسعود [Maswud Jāhed] : نوازنده ماهر نی که در گروه موسیقی اداره فرهنگ و ارشاد گرگان فعالیت دارد.

جباری [Jabbāri] : ترانه سرای قدیمی که همکاری نزدیکی با زنده یاد پوران داشت. شعر ترانه "ناز نکن" با اجرای پوران از نمونه کارهای این شاعر است.

جپچیق یا چپچیق (Japciq yâ Capciq) : سازی است از خانواده آلات موسیقی بادی. در متون فارسی نام این ساز را که از تعدادی نی ساخته شده است به صورت: چپچیق، شنگ، مشته، مستق و موسیقار ذکر کرده اند.



جیلی (Jebelli) : بدیع الزمان جیلی، در غرjestان بدنیا آمد و از شاعران دربار غوریان، سلجوقیان و محمودیان بود. سال درگذشت این شاعر ۵۵۵ هجری است.

جیلی، قاسم (Qāsem Jebelli) : قاسم جیلی معروف به قاسم عرب، در سال ۱۳۰۵ در تهران بدنیا آمد. دوران کودکی قاسم جیلی در بازارچه نایب السلطنه خیابان ری سپری شد. آشنائی قاسم جیلی با هنرمندان برگزیده آن روزگار بدین صورت بود که او در جوانی همراه با تعدادی از دوستانش به باغی در اوشان (محلی خوش آب و هوا در کوهستان های شمیران) می رود و وقتی می خواند، متوجه می شود که کسی در باغ را می زند. در را باز می کنند و فردی به او می گوید: تعدادی از هنرمندان در باغ پهلویی جمع شده اند، لطف کنید پیش آن ها بیائید. در آن باغ، قاسم جیلی موفق به دیدار و آشنائی با استاد احمد عبادی، استاد حسین یاحقی، استاد مهدی خالدی، استاد علی زاهدی و چند تن دیگر می شود. روز بعد قاسم جیلی در رادیو ایران حضور یافته و به منصور و مسعود (برادران معارفی) معرفی می شود. در آغاز کار با نام مستعار فرمند می خواند. او مدت ۲ سال همکاری خود را با رادیو ادامه می دهد (تا سال ۱۳۲۶). قاسم جیلی از محبوبترین خوانندگان قدیمی ایران بشمار می رود.

قاسم جیلی در فیلم های زیر: "دزد عشق" ۱۳۳۱، با شرکت مجید محسنی، عباس مهرپویا، شهلا ریاحی، ساخته دکتر اسماعیل کوشان، "گلنسا" ۱۳۳۲، با شرکت هوشنگ سارنگ و اکبر خواجهوی و "یوسف و زلیخا" ۱۳۳۵، با شرکت محسن مهدوی، شهره، حسین محسنی شرکت و در این سه فیلم ضمن بازی، آواز خوانده است.

A,â A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

جدا پردگی [Jodā Pardegi] : یکی از سه تژاد اصلی در تئوری یونان باستان:

دیاتونیک (جدا پردگی)

کروماتیک (پیوسته پردگی)

آنارمونیک (نا هماهنگی)

که نزد موسیقیدان های ایرانی کاملاً شناخته شده بوده است.

جدخواه، سید اصغر [Seyyed Asqar Jedxāh] : از تعزیه خوان های معروف سال های پیش و

پس از ۱۳۳۵ خورشیدی.

جدن [Jadan] : خوش آوازی، خوش صدا، حُسن صوت.

جدول [Jadval] : خط اصلی آهنگ، ملودی نمونه.

جدول فاصله های گام دو ماژور

یکمها	دومها	سومها	چهارمها	پنجمها	ششمها	هفتمها	صنمها
درست	بزرگ	بزرگ	درست	درست	بزرگ	بزرگ	درست
درست	بزرگ	کوچک	درست	درست	بزرگ	کوچک	درست
درست	کوچک	کوچک	درست	درست	کوچک	کوچک	درست
درست	بزرگ	بزرگ	افزوده	درست	بزرگ	بزرگ	درست
درست	بزرگ	بزرگ	درست	درست	بزرگ	کوچک	درست
درست	بزرگ	کوچک	درست	درست	کوچک	کوچک	درست
درست	کوچک	کوچک	درست	کاسه	کوچک	کوچک	درست

Ā,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,i W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

Z,z زاله (Zāle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Irān) وات های (القهای) نوین برای درست خواندن

جدی، احمد [Ahmad Jedi] : از اعضای موسس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

جدیکار، اکبر [Akbar Jeddikâr] : نوازنده چیره دست تار و همدوره با استاد علی اکبر شهنازی، حبیب صالحی، عباس داوچی و قاسم غراب. اکبر جدی کار، در کلاس استاد هوشنگ نوائی سنتور می زد ولی بزودی تار، جای سنتور را گرفت. از معلم های اکبر جدی کار می توان به استاد معروفی و استاد ابراهیم سرخوش اشاره داشت. اکبر جدیکار از سال ۱۳۲۵ و پس از آن در ارکستر برنامه های ارتش، به نواختن تار مشغول بود.

جراحی، عبدالله [Abdollah Jarrâhi] : از نوازندگان قدیمی ساکسیفون و همدوره با عباس شکری، عباسعلی ذوالفقارخانی، رضا ملکی، احمد درگاهی و ایرج.

جرس [Jaras] : زنگی است از جنس مس به شکل مخروط ناقص با حجم های مختلف. نوع بزرگ آن نظیر جام مهره دار در میدان جنگ بکار می رفته و نوع کوچکتر آن خاص پیک ها، شبگردها و یا پاسبان ها بوده است. گونه ای از آن را بر گردن چهار پایان می بندند و بنام زنگوله معروف است. در پارسی، جرس را ناقوس گویند.

جرکه [Jarke] : زیر ترین سیم ویلن را گویند.

جُره [Jorre] : در اصطلاح تار سازان به کاسه کوچک تار اطلاق می شود. جُره همچنین سازی است، رشته ای مقید که از سازی بنام شتر غو کوچکتر است. (شتر غو، سازی است که کاسه و سطح و ساعد آن طویل است و بر آن ۴ سیم می بندند و نصف ساز را با پوست می پوشانند)

جریده موسیقی [Jarideye Musiqi] : نام ماهنامه ای است که در سال ۱۳۱۸ خورشیدی، توسط سرگرد مین باشیان بوسیله اداره موسیقی کشور در تهران چاپ و انتشار می یافت.

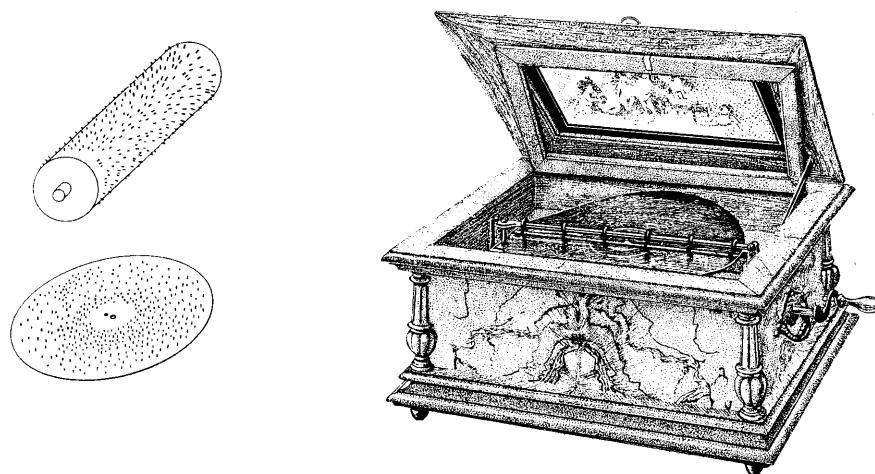
جزایری، شهاب الدین [Şahâbeddin Jazâyeri] : خواننده مشهور کرمانشاهی که ترانه جاویدان "شیرین جان" او سال های سال ورد زبان مردم بود و این ترانه را خوانندگان صاحب نام دیگری هم خواندند.

جزایری، رامین (Râmin Jazâyeri) : سازنده و نوازنده مشهور تار. رامین جزایری، در سال ۱۳۴۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. معلم اول او در نواختن تار، استاد زیداله طلوعی بود که بمدت ۱/۵ سال او را آموزش داد. استاد دیگر رامین جزایری، استاد محمد رضا لطفی بود که ردیف های موسیقی را به او یاد داد. استاد های دیگری که رامین جزایری از محضر آن ها فیض برده عبارتند از: هوشنگ ظریف، جمال سماواتی و حسین علیزاده. رامین جزایری، کار ساختن تار و سه تار را از سال ۱۳۶۲ آغاز نموده است.

جزیره، کاباره (Kâbâre-ye Jazire) : کاباره متعلق به خرم سرمایه دار معروف که در مجموعه تفریحی دنیای خرم در غرب تهران واقع بود.

جشن های نوروزی (Jašnhâye Nouruzi) : جشن هایی که در اعیاد نوروز، همراه با سرود خوانی، خیاگری، بر طبق آداب و رسوم قومی بر پا می شد و می شود. در این ایام، ترانه های مخصوص نوروز و بهار را می خوانند. واژه هایی در ردیف موسیقی ایران، نظیر: نوروز، نوروزخارا، نوروزعرب، نوروز صبا .. یاد آور این گونه جشن های ایرانیان است.

جعبه موسیقی (Jabeye Musiqi) : از نخستین آثار پیدایش گرامافون در ایران در زمان قاجاریه، وجود جعبه موسیقی بوده است که بصورت استوانه ای دوار، با فتری که جنبه محرک داشته و خارهایی به روی فلز که طبق موازین تعبیه شده بودند و یک شانه تیغه ای از جنس فولاد که تیغه های آن به نوبت با تیغه های توام (آکورد) با خارهای مذکور، در اثر چرخش استوانه برخورد کرده، تولید اصوات می نمودند.



A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

جعد پر خم [Jawde porxam] : در اصطلاح موسیقی به زیاده روی در تحریرات دل نشین آواز و خواندن اطلاق می شود.

جعد ساده [Jawde Sâde] : به ساده خوانی اطلاق می شود.

جعفرپور، حسین [Hoseyn Jawfarpur] : نوازنده چیره دست جاز در ارکستر جاز شرکت ملی نفت ایران. لطفاً به ارکستر شرکت نفت نگاه کنید.

جعفر خان [Jawfar-xân] : نوازنده مشهور تار در زمان ناصرالدین شاه که پس از کشته شدن ناصرالدین شاه بدست میرزا رضای کرمانی، به اسلامبول ترکیه رفته و آنجا مقیم شد.

جعفر خانی، داود [Dâvud Jawfarxâni] : نوازنده چیره دست ویلن سل در ارکستر سمفونیک تهران در سال های پیش و پس از ۱۳۳۶ خورشیدی.

جعفر قزوینی [Jawfar Qazvini] : از شاعران معروف در زمان دولت گورکانی هند که کتاب نور نامه او را پس از خسرو و شیرین نظامی سر آمد تمام منظومه نامه های آن دوران می دانند. این شاعر بنام؛ میرزا جعفر آصف خان اشتهار داشت. تاریخ وفات این شاعر سال ۱۰۲۱ هجری و قبر او کنار مقبره انیسی شاملو است.

جعفر قلی [Jawfar Qoli] : شاعر مشهور منطقه لائین و دره گز در شمال خراسان. جعفر قلی، آخرین شاعر کرد شمال خراسان است. در زمینه موسیقی، یازده آهنگ به جعفر قلی منسوب است.

جعفری امید، داود [Dâvud Jawfari Omid] : رئیس آموزشگاه موزیک تیپ گیلان در سال های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ خورشیدی.

داود جعفری امید، در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در سال دوم دبیرستان به تشویق علی محمد خادم میثاق به هنرستان عالی موسیقی رفت و ویلن سل را تحت نظر میشل خوتیسف و کلاس همناواری را نزد سورن آرا کلیان و پیانو را در کلاس استاد های دیگر آموخت. مشاغل او بغیر از آنچه در بالا به آن اشاره رفت عبارت بودند از: تدریس در هنرستان های عالی موسیقی و موسیقی ملی، نوازندگی در ارکستر بزرگ و برنامه

گُلها و ارکسترهای مختلف رادیو ایران. داود جعفری امید، در سال ۱۳۴۰ در رشته ویلن سل به درجه لیسانس نائل می شود، و با افتتاح تالار رودکی در سال ۱۳۴۶، همکاریش را با این ارگان هنری آغاز می کند. داود جعفری امید در سال ۱۳۵۹ باز نشسته شد ولی همچنان مشغول تدریس موسیقی به هنرجویان است.

جعفری امید، محمود [Mahmud Jawfari Omid]: از استاد های هنرستان عالی موسیقی تهران که در حال حاضر به تعلیم هنرجویان مشغول است. محمود جعفری امید، استاد مسلم نواختن فلوت می باشد. محمود جعفری امید در سال ۱۳۲۶ خورشیدی در تهران دنیا آمد. او دوران کودکی را در درس شمیران سپری کرد و از آن هنگام به صدای نی چوپانان آن زمان (۴۵ سال پیش) گوش می داد و آن موقع نی لبکی به بهای ۵ ریال برای او می خرید. استاد محمود جعفری امید، در سال ۱۳۴۲ در زمان ریاست استاد حسین دهلوی، وارد هنرستان موسیقی ملی شد و ساز تخصصی خود را فلوت انتخاب کرد. یادگیری و نواختن این ساز را نزد هنرمند گرانقدر منوچهر منشی زاده آغاز نمود. پس از هنرستان موسیقی ملی، ایشان به هنرستان عالی موسیقی رفته، و لیسانس خود را در سال ۱۳۵۳ دریافت می کند. محمود جعفری امید در حال حاضر در دانشکده هنر شیراز تدریس می کند.

جعفری امید، نرسی [Nersi Jawfari Omid]: نوازنده ویلن سل در ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی تهران در سال های پیش و پس از ۱۳۷۰ خورشیدی.

جعفری بهنام، محمد رضا [Mohammad Reza Jawfari Behnam]: محمد رضا جعفری بهنام، در سال ۱۳۲۶ خورشیدی در تهران دنیا آمد. پس از پایان دوره ابتدائی، وارد هنرستان فنی شماره ۱ شد و در رشته الکترونیک از این مدرسه فارغ التحصیل گشت. او در سال ۱۳۵۱ به استخدام وزارت فرهنگ و هنر در آمد و از سال ۱۳۵۷ به قسمت استودیوی مرکز سرود و آهنگ ها انتقال یافت. محمد رضا جعفری بهنام در حال حاضر یکی از صدا برداران با تجربه در کار ضبط بشمار می رود.

جعفری پویا، ایمان [Imán Jawfari Puyá]: نوازنده کلارینت در ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی تهران در سال های پیش و پس از ۱۳۷۰ خورشیدی.

جعفری، جعفر [Jawfar Jawfari]: نوازنده نی از دانشگاه فردوسی مشهد در جشنواره موسیقی ملی دانشجویان کشور در سال ۱۳۵۴ خورشیدی.

جعفری، حبیب اله (ملایری) (Habib-ollāh Jawfari) : حبیب اله جعفری، نوازنده نی، در سال ۱۳۲۲ خورشیدی در ملایر بدنیا آمد، زدن نی را در نوجوانی آغاز نمود. در سال ۱۳۵۰ به کلاس استاد اسماعیل مهر تاش رفت و به فراگیری گوشه ها و ردیف های آواز ایرانی پرداخت. در سال ۱۳۵۲ به وزارت فرهنگ و هنر رفته و با ارکسترهای این وزارت خانه همکاری نمود. فعالیت حبیب اله جعفری در سال ۱۳۵۷ با تغییر رژیم خاتمه یافت و اینک این هنرمند ارزشمند تنها برای دل خود نی می زند.

جعفری کیا، حمزه (Hamze Jawfari-kyā) : از عاشق های معروف فیروز آباد فارس و پدر؛ عاشق نوازاله جعفری کیا.

جعفری کیا، نوازاله (Navāzollāh Jawfari-kyā) : از عاشق های معروف استان فارس که در سال ۱۳۳۴ خورشیدی در فیروز آباد بدنیا آمد. از ۱۱ سالگی موسیقی قشقائی را نزد پدر خود "عاشق حمزه" و عمویش "عاشق اسماعیل" فرا گرفت. نوازاله جعفری کیا در شیراز زندگی می کند.

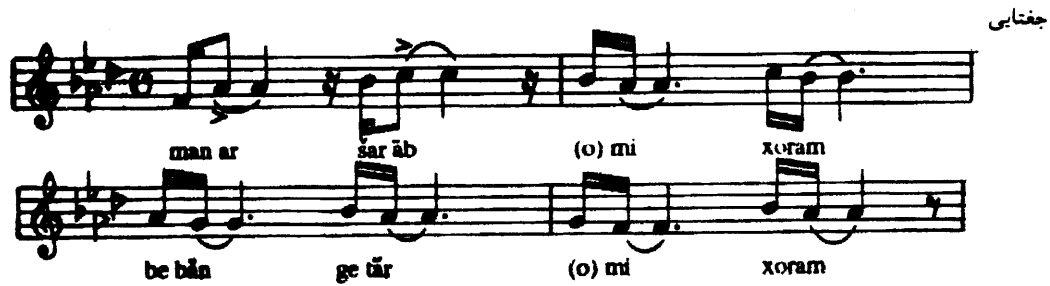
جعفری، مرتضی (Morteza Jawfari) : از فارغ التحصیلان لیسانس هنرستان عالی موسیقی در رشته موسیقی نظام.

جعفری نیا، اسماعیل (Esmāwil Jawfari-nyā) : از عاشق های معروف موسیقی قشقائی که در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در فیروز آباد فارس بدنیا آمد. طایفه او جملگی عاشق بوده و نواختن موسیقی در طایفه او موروثی است. او از ۱۰ سالگی نزد پدر خود؛ عاشق جعفر که از عاشق های بنام قشقائی بوده به فراگیری کمانچه پرداخت. عاشق اسماعیل ضمن نواختن کمانچه، خوب می خواند و صدای او با وجود کھولت از ویژگی خاصی برخوردار. این هنرمند، در حال حاضر در شیراز زندگی می کند.

جعفری نیا، جعفر (Jawfar Jawfari-nyā) : از عاشق های بنام ایل قشقائی که مهارت بی نظیری در نواختن کمانچه داشته است. عاشق جعفری علاوه بر نواختن کمانچه، چگور هم زیبا می نواخته است.

جعفری، هوشنگ (Hušang Jawfari) : از صدابرداران با تجربه در رادیو تلویزیون ایران که در تهران فعالیت دارد.

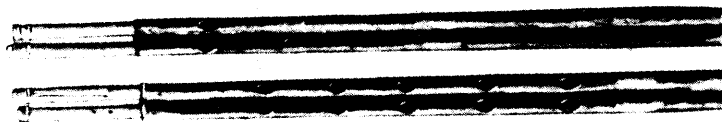
جفتائی (Joqatawi) : نام گوشه ای است در دستگاه سه گاه.



جُفت (Joft) : اصطلاحی در نواختن مضراب سنتور، هنگامی که دو مضراب در یک لحظه و با هم بر سیم ها اصابت کنند. مضراب جفت را با علامت ضربدر [X] مشخص می کنند. اصطلاح جفت در دو سیم هم کوک سازها، هم بکار می رود. جفت سیم های [do] و جفت سیم های [sol]، در تار، با هم، همصدا هستند.

جُفتک (Joftak) : دو سیم پهلوی هم، در ساز بانجو که در نواحی بلوچستان نواخته می شود.

جُفته (Jofte) : سازی است از آلات موسیقی بادی که از دو استوانه متصل و جفت هم تشکیل یافته است. سوراخهای این ساز در روی دو نای یکسان نیست. این ساز را گوشه بالابان هم می گویند.



جفرودی، شاپور (Šāpur Jafrudī) : خواننده هنرمند گیلان که سال های بسیار با ارکستر نادر نیاکان در برنامه کارگران رادیو ایران، همراه با عبدالعلی همایون برنامه اجرا می کرد.

جق جقه یا جغ جغه (Jeq Jeqe) : از آلات ضربی در گروه سازهای ایدئوفون. جق جقه در بین آلات سرگرمی کودکان متداول است.

جقه، اکبر (Akbar Jeqe) : از شاگردان ممتاز استاد سلیمان امیر قاسمی خواننده مشهور قدیمی است.

Ā,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Ž,z واته های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) I,i ایران (Vojdan) وچدان O,o V,v C,c U,u چوب (Cub) Z,z زاله (Žāle)

اکبر جقه در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. وی در نوجوانی نزد استادهایی چون: حسن کسائی، جلیل شهناز، عباس سروری، اسماعیل مهر تاش رفت و از محضر آن ها فیض برد. بعد ها تحت تعلیم استاد سلیمان امیر قاسمی قرار گرفت. از سال ۱۳۲۳ خورشیدی فعالیت هنری خود را در جامعه باربد، در لاله زار به سرپرستی استاد مهر تاش شروع کرد و در چند فیلم بازی و آواز خواند، منجمه: فیلم "دزد عشق" با شرکت مجید محسنی، شهلا ریاحی، عباس مهرپویا که در سال ۱۳۳۱ خورشیدی توسط دکتر اسماعیل کوشان ساخته شد.

جلال (Jalájel): سازی است کوبه ای یا ضربی. لطفاً به درای نگاه کنید. جلاجل به زنگوله های کوچکی که در اطراف دایره و چنبر دف می بندند هم اطلاق می شود.

جلال (Jalál): سید جلال سازنده مشهور تار و سه تار و همدوره با غلامحسین خان، هامبارسون، آقا گلی و یحیی دوم. از شاگردان ممتاز سید جلال، استاد عشقی بود که سه تار می ساخت و سال ها در مغازه اش واقع در تجریش شیمران به عرضه آن می پرداخت.

جلال الدین محمد بلخی (Jalál-eddin Mohammad Balxi): جلال الدین محمد بلخی یا مولانای روم، یا مولوی از بزرگترین و تواناترین گویندگان و از عارفان درخشنده آسمان ادب پارسی و شاعری صاحب اندیشه است.

این شاعر گرانقدر در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هجری در بلخ بدنیا آمد. در ۶ سالگی، هنگام عبور از نیشابور، همراه پدر به خدمت شیخ فرید الدین عطار نیشابوری رسید و شیخ، کتاب؛ "اسرار نامه" را به او داد. وفات این فیلسوف و شاعر بزرگ در پنجم جمادی الاخر سال ۶۷۲ هجری بوده است.

جلال طیب (Jalál Tabib): از پزشکان و شاعران معروف دربار شاه شجاع مظفری (۷۶۰ - ۷۸۶ هجری) است. اصل این شاعر از خوف خراسان است. محل زندگی این شاعر در شیراز بوده است. مرگ او در نیمه دوم سده هشتم رخ داده است.

جلال عتیقی (Jalál Atiqi): از شاعران سده هشتم هجری و از معاصران اولجایتو خان (۷۱۶ هجری) و ابوسعید بهادرخان (۷۳۶ هجری) بوده است.

جلال عَضُد (Jalál Azod): جلال عضد متخلص به جلال، از شاعران نیکو سخن ایران در سده هشتم

هجری است. او در عهد تسلط چوپانیان و آل اینجو بر فارس می زیسته است. از این شاعر دیوان شعری با ۱۶۰۰ بیت موجود است.

جلال عکاشه (Jalāl Akāše) : جلال الدین فریدون عکاشه، از شاعران بزرگ سده هشتم هجری است. او شاعر دربار جلال الدین مسعود اینجو و برادرش شاه ابو اسحاق اینجو بود. مجموعه شعرهای این شاعر در کتابخانه مجلس شورای ملی وجود دارد.

جلالیان، قاسم (Qāsem Jalālyān) : نوازنده چیره دست ضرب در ارکستر شماره ۳ رادیو بهنگام تاسیس آن (۱۳۲۰ خورشیدی).

قاسم جلالیان، سال ها در ارکستر ناصر زر آبادی، با عباس شاپوری، مهدی تاکستانی، مرتضی گرگین زاده، برنامه های خانم روح بخش را بمدت ۳ سال (از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ خورشیدی) همراهی می کرد.

جلالی، دکتر (Doktor Jalāli) : خواننده خوش صدا آذربایجانی که سال های بسیار از همکاران نزدیک رادیو تبریز بود. سال های فعالیت دکتر جلالی در رادیو تبریز، پیش و پس از ۱۳۳۰ خورشیدی بود.

جلالی، عبدالحسین (Abdol-Hoseyn Jalāli) : از اعضاء موسس انجمن موسیقی ملی که در تاریخ ۶ تیر ماه ۱۳۲۳ خورشیدی تشکیل شد. برای آگاهی بیشتر، لطفاً به انجمن موسیقی ملی نگاه کنید.

جلالی، عبدالله (Abdollah Jalāli) : از صداپردازان و صداگذاران رادیو ایران در تهران. عبدالله جلالی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در لاهیجان بدنیا آمد. او در سال ۱۳۵۰ خورشیدی با سمت اپراتوری در رادیو ایران استخدام شد و سپس تصدی تکثیر برنامه های رادیویی را به او محول کردند. عبدالله جلالی، ۳۰ سال است که به کار صداپردازی می پردازد.

جلالی گوران، احمد (Ahmad Jalāli Gurān) : احمد جلالی گوران، متخلص به مهجور، در سال ۱۲۸۹ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. در ده سالگی دو چشمش را از دست داد. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه اسلامی کرمانشاه به پایان رسانید. در جوانی به گفتن و سرودن شعر پرداخت. در ۲۰ سالگی تار را آموخت. او مدت ها از شاگردان یحیی خان زرین پنجه بود. او شاعری خوش ذوق بود که غزل و قصیده را خوب می سرود و تار زیبا می نواخت. جلالی گوران در ۶ اردیبهشت ۱۳۷۲ خورشیدی درگذشت.

جلالی، مریم (Maryam Jalāli) : خواننده خوش صدا و ترانه سرای ساکن کالیفرنیا که از او آلبوم "شقایق" در دسترس می باشد. مریم جلالی از همکاران نزدیک هنرمند ارزشمند ایران، بیژن مرتضوی است.

جلایی، مرتضی (Morteza Jalāyi) : نوازنده چیره دست ویلن آلتو در ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی در سال های پیش و پس از ۱۳۷۰ خورشیدی.

جلباره (Jalbāre) : سازی است ضربی که برخی از پژوهش کنندگان نام این ساز را چالپاره، چارپاره یا چال پره نوشته اند. لطفاً چالپاره نگاه کنید.

جلجل (Jaljal) : دف، دایره، زنگ، جرس و درای خرد. آلتی بیضی شکل که آوازی رسا و رعب انگیز داشته است.

جلو شاهی، دستگاه موسیقی (Dastgāhe Musiqiye Jolo-šāhi) : این دستگاه موسیقی در میان تمام اهل حق رواج دارد. جلوشاهی، بیشتر در منطقه کرمانشاه نواخته می شود و بیشتر شامل یک آهنگ خاص، با وزن دو ضربی است، تا یک دستگاه موسیقی.

جلیس (Jalis) : از رقصندگان و نوازندگان تنبک در دسته مطرب "گلین" در زمان قاجاریه.

جلیلیان (Jalilyān) : خانم جلیلیان، از خوانندگان قدیمی ایران که در سال های پیش و پس از ۱۳۴۰ خورشیدی در آبادان فعالیت داشتند.

جلیلوند، فتح اله (Fath-ollāh Jalilvand) : استاد برجسته تار و همدوره با استاد حسین علی وزیری تبار.

جلیلی، رضا (Rezā Jalili) : از ترانه سرایان مشهور دوران دوم و همدوره با عبدالله الفت، نواب صفا، کریم فکور و معینی کرمانشاهی.

جلیلی، محمد تقی (Mohammad Taqi Jalili) : از صداپرداران و صداگذاران رادیو تلویزیون ایران در تهران.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وچدان (Vojdan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

جماعت (Jamāat) : نت هائی را که بر حسب زیری یا بمی، مرتب ساخته باشند، تا آهنگساز، از بین آن ها، بعضی را برای ساختن آهنگ انتخاب نماید.

جماعت تام (Jamāat Tām) : از نظر فارابی، جماعت تام، گامی است شامل کلیه نت هائی که گوش آدمی قابلیت شنیدن و پذیرفتن آن ها را دارد (اُکتاو طبیعی). جماعت تام؛ به گام دو اُکتاوی که در عود بکار می رود هم اطلاق می گردد.

جمال (Jamāl) : جمال دولت شاهی، خواننده جوان که از او آلبوم "بهار من" در دسترس می باشد. جمال، علاوه بر خوانندگی، در ترانه سرائی و آهنگسازی هم مهارت دارد. او در حال حاضر در اروپا زندگی می کند.

جمال الدین اصفهانی (Jamī-eddin Esfehāni) : از شاعران نام آور سده ششم و از قصیده سرایان معروف ایران است. این شاعر گرانقدر در سال ۵۸۸ هجری درگذشت.

جمالی، علی رضا (Ali Reza Jamāli) : نوازنده چیره دست ضرب از دانشگاه فردوسی مشهد در جشنواره موسیقی ملی دانشجویان کشور در سال ۱۳۵۴ خورشیدی.

جمالی فروز، محمد علی (Mohammad Ali Jamāli-fruz) : موسیقیدان معروف سال های پیش و پس از ۱۳۲۰ و همدوره با استاد موسی معروفی، استاد حسین تهرانی، استاد ابوالحسن صبا، جواد بدیع زاده، اکبر محسنی، نصراله زرین پنجه، ابراهیم منصوری، حسین علی وزیری تبار و روح اله خالقی. محمد علی جمالی فروز، از اعضای موسس؛ انجمن موسیقی ملی که در تاریخ ۶ تیر ماه ۱۳۲۳ خورشیدی تشکیل شد، می باشد.

جمالی، کیوان (Keyvān Jamāli) : از صداپردازان و صداگذاران رادیو ایران در تهران. کیوان جمالی در سال ۱۳۳۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در سال ۱۳۵۹ پس از فراغت از تحصیل در رشته صداپردازی به سربازی رفته و پس از مراجعت در سال ۱۳۶۲ به استخدام رادیو ایران در آمد. بیشتر فعالیت وی در ضبط برنامه های عادی رادیو و هم چنین ضبط برنامه های مختلف روستائی است.

جم، سرگرد علی جعفر **[Sargord Ali Jawfar Jam]** : نُت نویس مدرسه موزیک که در سال ۱۲۹۷ خورشیدی تاسیس شد. رئیس این مدرسه سالار معزز بود. لطفاً برای آگاهی بیشتر به مدرسه موزیک نگاه کنید.

جمشیدی **(Jamsidi)** : از آوازهای معروف شرق و جنوب خراسان.

جمشیدی، گُلناز **(Golnaz Jamsidi)** : نوازنده چیره دست سنتور و از فارغ التحصیلان هنرستان عالی موسیقی.

جمشیدی، مهران **(Mehran Jamsidi)** : از نوازندگان مشهور موسیقی سنتی ایران در شیراز و از شاگردان ممتاز استاد لطیف نعمان.

جمع بندی صوتی **(Jam Baniye Souti)** : کاربرد و گروه بندی سازها، در یک گروه موسیقی را گویند.

جمع تام **(Jame Tām)** : مجموعه ای مشتمل بر کلیه نغمات هفده گانه موسیقی قدیم.

جمع تألیف **(Jame Tawlif)** : از اصطلاحات قدیمی موسیقی به معنی ساختن آهنگ.

جمع و تفریق ابعاد **(Jam va Tafriqe Abwād)** : از نوآوری های ابن سینا در موسیقی است. ابن سینا با پیروی از فارابی، ضرب و تقسیم نسبت های ابعاد را به کار می برد و این کار او در واقع آغاز اختراع لگاریتم محسوب می شود.

جمعه، استاد علی **(Ostād Ali Jomwe)** : سازنده و نوازنده مشهور دو تار در خراسان.

جمله **(Jomle)** : در موسیقی به معنی نغمه کوتاه و مستقل که در درون خود واحدی را تشکیل دهد، و در آخر آن سکوت قرار می گیرد.

جمله، کوتاه ترین شکل یک ملودی است، که در یک نقش خوانده می شود و اصوات آن بصورت پیوسته و یا

A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdān) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

غیر پیوسته به اجراء در می آیند.



جُموع [Jomul] : پرده، آواز و گوشه در موسیقی قدیم را گویند.

جمهوری، مارش [Mārše Jomhuri] : سروده عارف قزوینی با صدای قمرالملوک وزیری که بصورت صفحه عرضه و بلافاصله توسط رژیم وقت جمع آوری و حتی فردی بنام فتح علی قهوه چی که در قهوه خانه اش این صفحه را پخش نموده بود، دستگیر و زندانی شد. اجرای کنسرت قمر در همدان تنها با شرط آزادی قهوه چی مذکور، میسر شد، که رئیس شهربانی همدان آن را پذیرفت.

جمیله [Jamihe] : نوازنده چیره دست کمانچه و از شاگردان اسماعیل خان در دوران ناصری.

جناب دماوندی [Jenáb Damávandi] : از خوانندگان مشهور قدیمی که از او تعدادی صفحه بیادگار مانده است. جناب دماوندی همدوره خواننده مشهور حسن لحنی، معروف به حسن قصاب می باشد. از جناب دماوندی، ضبط آواز "شور" با تار میرزا اسداله خان و آواز "افشاری" با تار میرزا حسین قلی که هر دو از صفحه های دو طرفی می باشند وجود دارد. جناب دماوندی، عضو هیئت ژوری رادیو ایران در سال های اولیه تاسیس این سازمان برای پذیرش هنرمندان بود. رئیس هیئت ژوری؛ مستعان، نویسنده مشهور بود.

جناب قزوینی [Jenáb Qazvini] : یا آقاخان ساوه ای، خواننده مشهور دوران قاجاریه است. لطفاً به آقاخان نگاه کنید.

جناب ملا عبدالکریم [Jnáb Molá Abdolkarim] : از استادان بنام آواز که در قزوین زندگی می کرد. او معلم اقبال آذر (اقبال السلطان) بود.

جنتر (Jantar) : از آلات زهی خاصه اهالی هندوستان که جنس آن از چوب است.

جنتی عطائی، ایرج (Iraj Jannati Atāwi) : ترانه سرای معروف معاصر، و از بنیان گذاران جنبش نوین ترانه سرائی در ایران که اخیراً، با گزینشی از ترانه های خود همراه با موسیقی آندرانیک، مجموعه ای بنام: "زمزمه های یک شب سی ساله، ارائه داده است. از ترانه های جاویدان این ترانه سرای گرانقدر می توان به "خونه" با صدای داریوش اشاره داشت.

جنس (Jens) : به دانگ و گام های قدیم موسیقی اطلاق می شود. از نظر فارابی، جنس بر سه نوع است: مقوی یا دیاتونیک، ملون یا کروماتیک و ناظم یا آنارمونیک.

جنگ آرا (Jang Ārā) : قطعه موسیقی که از ردیف سرنا به ردیف تنبور در کرمانشاه و کردستان در آمده است و در موسیقی اهل حق قرار دارد.

جنگ شب (Jong Šab) : برنامه رادیویی در خصوص معرفی سبک و آثار استادان موسیقی ایران که توسط استاد فرهنگ فرهی از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ خورشیدی از رادیو تلویزیون ایران پخش می شد.

جنگوک، عطاله (Ata-ollāh Janguk) : استاد موسیقی سنتی ایران که به ردیف های این موسیقی آگاهی کامل دارد. استاد عطاله جنگوک، استاد مسلم در نواختن تار می باشد. عطاله جنگوک، در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در شهرستان لار بدنیا آمد. از کودکی علاقه شدیدی به نواختن تار داشت. اولین معلم او؛ حمید ایلاقی، شوهر خاله اش بود. عطاله جنگوک، پس از اخذ دیپلم به تبریز رفته و از محضر استاد محمد حسن عذاری که از شاگردان درویش خان و علی اکبر خان شهنازی بود فیض می برد. سال ورود این هنرمند به دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، ۱۳۵۱ خورشیدی بود. در سال ۱۳۵۲ توسط دکتر داریوش صفوت به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی رفت و در این زمان آموختن و نواختن سه تار را نیز آغاز نمود. عطاله جنگوک از فعالترین هنرمندان رشته موسیقی بشمار می رود.

جنید خان (Jonid Xān) : از اشعار حماسی و تاریخی در موسیقی بلوچستان. جنید خان، حدود ۷۰ سال پیش، رهبری ایل یار محمد زهی (شهنوازی در سرحد بلوچستان) را بعهده داشت و او و خاندانش قهرمان مبارزه با انگلیس ها بودند. در جریان مبارزه، اسیر شده، و در مشهد زیر شکنجه فوت می کند. شعر جنید

Ā,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Irān) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

خان توسط خیر محمد سروده و خوانده شده است.
خیر محمد، در زمان ضبط شعر (۱۳۷۰/۹/۱۴)، بیش از ۹۰ سال داشته است.

جنید شیرازی [Jonid Širāzi] : از شاعران سده هشتم هجری در شیراز. دیوان اشعار این شاعر در ۱۰۵۰ بیت به همت استاد سعید نفیسی جمع آوری شده است.

جنیدی [Jonidi] : از شاعران معروف سده چهارم و از شعرای بارگاه صاحب بن عباد بوده است.

جنیدی، بهمن [Bahman Jonidi] : خواننده خوش صدا و از همکاران نزدیک ارکستر کانون موسیقی چنگ تهران.

جواب [Javāb] : قسمتی از آواز، هر نُت موسیقی دارای جوابی است در صداهای زیر یا بم که آن جواب احیا کننده آن نُت در یک آهنگ یا یک آواز می باشد.

جواب آواز [Javāb Āvāz] : پاسخ دادن نوازنده به آواز خواننده. عمل حاکی از مهارت نوازندگان سنتی در موسیقی ایران که از صفات برجسته نوازنده محسوب می شود.

جواد خوانی [Javād Xāni] : تحریری در گوشه رضوی، در دستگاه شور، منسوب به جواد خان قزوینی. لطفاً به جواد قزوینی نگاه کنید.

جوادخانی



جواد قزوینی [Javād Qazvini] : نوازنده چیره دست کمانچه در دربار ناصرالدین شاه. این نوازنده وظیفه داشت که بهنگام خوابیدن شاه همراه با نقیب الممالک که بیانی شیرین داشت و در فن داستان سرائی بی مانند بود، برای شاه بنوازد تا او بخوابد. جواد قزوینی از صدای خوبی نیز بهره داشت.

A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (القای) نوین برای درست خواندن

جوادی پور، مهندس [Mohandes Javâdi-pur] : از صداپردازان و صداگذاران با تجربه که در تهران فعالیت دارد.

جوادی، محمد صادق [Mohammad Sâdeq Javâdi] : از صداپردازان و صداگذاران رادیو تلویزیون ایران که در تهران فعالیت دارد.

جوامع علم موسیقی [Javâme Elm Musiqi] : سومین بخش از کتاب ریاضیات شفا ابن سینا در خصوص موسیقی است. این بخش دارای ۱۵۰ صفحه و ۶ مقاله می باشد. مقاله اول؛ چهار فصل دارد که در فصل نخست به تعریف موسیقی و اسباب صوت پرداخته. در فصل دوم به ابعاد و حکمت نغمه ها، در فصل سوم به ابعاد بزرگ، متوسط و کوچک و در فصل چهارم به تداوم همان مباحث پرداخته است. مقاله دوم، دو فصل دارد. فصل اول در ابعاد لحنی و دوم، در چگونگی انواع جنس می باشد. این کتاب، از اهمیت خاصی در علم موسیقی ایران برخوردار است.

جوان [Javân] : زنده یاد جوان، نوازنده و استاد تعلیم تار در مشهد که سرپرستی گروه موسیقی دانشگاه مشهد را نیز بعهده داشت.

جوانشیر [Javânsîr] : از ترانه سرایان معاصر که همکاری نزدیکی با هنرمند گرانقدر مرتضی گرگین زاده داشت. از نمونه کارهای ایشان می توان به ترانه "نغمه بیستون" اشاره داشت. سال های فعالیت این شاعر پیش و پس از ۱۳۲۰ خورشیدی بود.

جواهری، جواد [Javâd Javâheri] : خواننده و نوازنده چیره دست تار، در سال ۱۳۱۸ خورشیدی در شهرستان میانه بدنیا آمد. او در ۱۲ سالگی نزد هنرمندی بنام ارژنگی درس موسیقی و آموختن ردیف و گوشه های آواز ایرانی را فرا گرفت. جواد جواهری، با راهنمایی معلم خود، به هنرستان موسیقی رفت و در آن جا، با استاد های بزرگ چون؛ عبدالله دوامی و غلامحسین بنان آشنا شد. از معلم های دیگر او: زنده یاد استاد سلیمان امیر قاسمی، حسن یگرنگی، زنده یاد اسماعیل مهرتاش بودند. جواد جواهری، ۲۳ سال با جامعه باربد همکاری نزدیک داشت. زمانی که او در کلاس استاد مهرتاش بود، شاگردان دیگر استاد عبارت بودند از: محمد رضا شجریان، جمال وفائی، محمد منتشری و هوشمند عقیلی. آخرین استاد این هنرمند گرانقدر، زنده یاد علی اکبر خان شهنازی بود.

جواهری، عبدالحسین (Abdol-Hoseyn Javâheri) : نوازنده ماهر نی در گروه موسیقی حافظ. گروه موسیقی حافظ با سرپرستی؛ پژمان طاهری و هنرمندانی چون: سید رضا طباطبائی (خواننده)، جمشید داوری (تنبک)، بهروز رضائی (تار)، شهرام محمدی (دف و تار باس)، اردوان طاهری (سه تار)، عبدالخالق سامانی (کمانچه) و عبدالحسین جواهری (نی)، از فعالیت خوبی در ایران برخوردار است.

جواهری وجدی، غلامحسین (Qolâm-Hoseyn Javâheri Vajdi) : از شعرا و ترانه سرایان دوران اولیه فعالیت رادیو ایران در سال ۱۳۲۰ خورشیدی.

جواهری وجدی در سال ۱۳۰۳ خورشیدی بدنیا آمد و از سال ۱۳۱۸ همکاری خود را با آهنگسازان آن زمان شروع کرد. اشعار طنز و انتقادی او بزودی زبان زد عام و خاص شد. از زیباترین اشعار او می توان به "باده از ما مست شده" و "تسلیم" اشاره کرد.

جودکی، حشمت اله (Hesmat-ollâh Joudaki) : نوازنده چیره دست ویلن و استاد تعلیم این ساز که به کلیه ردیف های موسیقی سنتی ایران آشنائی کامل دارد. حشمت اله جودکی، شاگردان بسیاری را تعلیم داده که بعنوان نمونه می توان به بهروز خندانی و رمضان روزبھانی اشاره داشت.

حشمت اله جودکی، در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در بروجرد بدنیا آمد. در ۱۳ سالگی، او را بعنوان یک ویلن زن حرفه ای تمامی مردم بروجرد قبول کردند. در ۱۳ سالگی، وقتی قمر الملوک وزیری جهت اجرای کنسرت به بروجرد رفت، حشمت اله جودکی، آواز قمر را که در سالن سینما تاج بروجرد، می خواند، همراهی کرد. حشمت اله جودکی در ۱۴ سالگی، اقدام به تاسیس کلاس موسیقی در بالای داروخانه بو علی سینا شهر بروجرد کرد و به هنرجویان مشق ویلن می داد. در نوجوانی بنا به دعوت رادیو خرم آباد، همکاری خود را با این سازمان آغاز کرد. پس از دعوت رادیو خرم آباد، رادیو اصفهان نیز از او دعوت به همکاری بعمل آورد و او پذیرفت.

این هنرمند مورد تأیید استاد های موسیقی نظیر: استاد علی اصغر بهاری، استاد عبدالله جهان پناه، استاد ابراهیم قنبری، عباس شاپوری و دیگران می باشد.

جودکی عظیم (Joudaki Azim) : نوازنده معروف کمانچه در سال های پیش و پس از ۱۲۹۰ خورشیدی که در بروجرد فعالیت داشت. عظیم جودکی، پدر استاد حشمت اله جودکی، نوازنده بنام ویلن است.

جودکی، غلامرضا (Qolâm-Rezâ Joudaki) : نوازنده معروف ویلن در سال های پیش و پس از

۱۳۰۰ خورشیدی که در بروجرد فعالیت داشت.

جوره (Jure) : از آلات کوبه ای محلی. دُهل که در مناطق جنوبی ایران، در محدوده هُرمزگان، همراه با سورنا در مراسم شادی و جشن ها می نوازند.

جوری زورنا (Juri Zurná) : از آلات بادی. از انواع سرنه با طول ۳۰ سانتیمتر و با صوتی لطیف و زیبا که بیشتر در نواحی وان و ارزه الروم ترکیه و میان قبایل کرد رایج است.

جوزی پور، مومن علی (Momen Ali Jouzi-pur) : هنرمند کهنسال لر، که نزدیک به صد سال دارد. او هنرمندی است که دامنه فعالیتش از طنز و شوخی، با تنومیم و تاتر عروسکی و خوانندگی گسترده است. جوزی پور از ده سالگی می خواند و ۹۰ سال است که روایت گر موسیقی مناطق لک نشین لرستان است. مومن علی جوزی پور در کوهدهشت لرستان زندگی می کند.

جوهری (Johari) : حکیم ابو محمد جوهری هروی از شاعران اواسط سده پنجم هجری است. او شاعر دربار غزنویان بود هرچند چندی به دربار ملوک غور آل شنسب هم رفت.

جوهری، مرتضی (Mortezá Jouhari) : خواننده سرشناس و مشهور سال های پیش و پس از ۱۳۴۰ خورشیدی و همدوره با زنده یاد شاپور نیاکان، زنده یاد مهدی تاکستانی، جمال وفائی، رضوی سروسستانی، مجتبی میرزاده و میلاد کیائی.

مرتضی جوهری، در سال ۱۳۲۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در سن ۱۶ سالگی به رادیو ایران رفت و با سنتور، زنده یاد ورزنده آواز خواند که مورد قبول واقع شد. با افتتاح تلویزیون کانال ۳، او همکاری را با برنامه خردسالان آغاز می کند. در سال ۱۳۴۶ به تلویزیون ملی ایران می رود و از سال ۱۳۵۰ بعنوان تهیه کننده موسیقی اصیل در تلویزیون ملی ایران استخدام می گردد.

جویباری تبریزی (Juyáye Tabrizi) : میرزا داراب بیگ متخلص به جویا از شاعران سده یازدهم و آغاز سده دوازدهم است. خاندانش از تبریز به هند رفته و در کشمیر سکونت گزیدند.

جویباری (هاشمی)، سید علی اصغر (Seyyed Ali Asqar Juybari) : زنده یاد جویباری، از نوازندگان سرشناس دو تار در شرق مازندران بوده است.

آ, a A, a آدم (Adam) S, s K, k Š, š سرکش (Sarkes) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I, i وچدان (Vojdan) V, v O, o چوب (Cub) C, c U, u زاله (Zale) Z, z

جهارت (Jahârat) : اوج گرفتن صوت و آواز. ابن سینا، جهارت را از عوامل اختلاف صوت می داند.

جهان (Jahân) : جهان قشقای، خواننده خوش صدا و ترانه سرا و آهنگساز فعال ساکن لُس آنجلس که از او ترانه های بسیاری در دسترس می باشد. برخی از آلبوم های این خواننده عبارتند از: "پرنده و پرواز" و "طلوع فردا". آهنگسازان و ترانه سرایان مشهور و بنامی چون جهان بخش پازوکی، محمد شمس و کاظم رزازان با این خواننده همکار دارند.

جهان بخش (Jahân-Baxš) : از نوازندگان فعال در ارکستر نوین وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۹. برای آگاهی بیشتر لطفاً به ارکستر نوین نگاه کنید.

جهان بخش، امیر (Amir Jahân-Baxš) : از هنرمندان قدیمی موسیقی و همدوره با رحمت اله مهتدی، فلکی، باشی و عبدالله قصری (سال های پیش و پس از ۱۳۲۰ خورشیدی).

جهانبگلو، دکتر منوچهر (Doktor Manucehr Jahân-beglu) : زنده یاد دکتر منوچهر جهانبگلو، استاد نواختن سنتور و همدوره با زنده یاد استاد حسین تهرانی و استاد فرهنگ شریف و استاد اصغر بهاری بودند. از دکتر منوچهر جهان بگلو، کتابی با فرنام: "یاد نامه استاد محمود کریمی" در خصوص سبک و روش هنرمندان موسیقی، در دسترس می باشد.

دکتر منوچهر جهان بگلو در ۲۱ مرداد ماه ۱۳۰۵ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در ۱۴ سالگی به کلاس استاد حبیب سماعی رفت و نزد ایشان سنتور را آموخت. معلم دوم او، استاد ابوالحسن صبا بود. در سال ۱۳۳۸، برای ادامه تحصیلات به اتریش رفت و در آن جا مطالعات بسیاری در زمینه موسیقی کرده و پس از مراجعت همکاری خود را با رادیو آغاز کرد. از دکتر منوچهر جهان بگلو، نوشته های بسیاری در مجلات و روزنامه های سال های ۱۳۴۰ و پس از آن چاپ و منتشر شده است. آموزش مقدماتی سنتور، ردیف سنتور، تکنیک های مضاربی برای سنتور از کتاب هائی است که توسط ایشان نوشته و انتشار یافته است. از کارهای دیگر دکتر جان بگلو، ساختن موزیک متن فیلم "ایوب" با شرکت زنده یاد فردین و فروزان است.

دکتر منوچهر جهان بگلو در تاریخ ۱۴ آذر ماه ۱۳۶۹ چشم از جهان فرو بست.

جهان پناه، عبدالله (Abdollah Jahân-panâh) : استاد عبدالله جهان پناه در سال ۱۲۹۶

خورشیدی در خیابان مولوی تهران بدنیا آمد. آشنائی عبدالله جهان پناه با موسیقی در سال ۱۳۱۳ با آشنائی

آ,â A,a آدم (Âdam) S,s K,k Ş,ş سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyâm)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irân) ایران (Irân) V,v O,o وجدان (Vojdân) C,c U,u چوب (Cub) Z,z زاله (Zâle)

با هنرمندی بنام "حسن سخی" بود. اولین معلم او، علیرضا چنگی بود که به او آموزش ویلن داد. استاد دیگر عبدالله جهان پناه، استاد آساطوریان بود که به او موزیک غربی را آموزش داد. استاد عبدالله جهان پناه در سال ۱۳۲۳، ارکستری تشکیل داد (برای آگاهی بیشتر لطفاً به ارکستر جهان پناه نگاه کنید). جهان پناه در سال ۱۳۳۲، کلاسی با همکاری رحمت اله مهتدی، در چهار راه مخبرالدوله، بنام کانون موسیقی ملی تاسیس و مدت ۱۸ سال مشغول تدریس شد. استاد عبدالله جهان پناه از شاگردان سپهری و معلم هنرمند گرانقدر ابراهیم منصوری می باشد که از مکتب علی رضا خان کمانچه، در راه آموختن ردیف های موسیقی سنتی استفاده های فراوان برده است. استاد عبدالله جهان پناه، در رادیو ایران ارکستری تشکیل داد، و برنامه ای بعنوان "بزم شب" را اجرا می نمود (سال های پیش و پس از ۱۳۳۰ خورشیدی). او از نوازندگان اولیه برنامه گلهای رادیو ایران بشمار می رود. ایشان از اعضای موسس؛ انجمن موسیقی ملی که در تاریخ ۶ تیر ماه ۱۳۲۳ خورشیدی تشکیل شد، می باشند.

جهان خاتون (Jahān Xātun): جهان ملک خاتون، دختر جلال الدین مسعود شاه اینجو، از شاعران نیمه دوم سده هشتم هجری در شیراز است. دیوان این شاعر به شماره SUPP763 در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می شود.

جهان شاد، جمال (Jamāl Jahān-šād): جمال جهان شاد در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در شهر ری دنیا آمد. پس از اتمام دوره ابتدائی به هنرستان موسیقی ملی رفت و زیر نظر زنده یاد فرهاد ارژنگی به فراگرفتن تار پرداخت. پس از فوت استاد خود، نزد استاد علی اکبر خان شهنازی، استاد حبیب اله صالحی و استاد هوشنگ ظریف رفت و به تکمیل این هنر و ردیف های موسیقی سنتی پرداخت. پس از فارغ التحصیلی از هنرستان موسیقی ملی در سال ۱۳۴۸ به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و افتخار شاگردی استاد نورعلی خان برومند، نصیب شد. جمال جهان شاد پس از سال ۱۳۵۳ در ارکستر سماعی به سرپرستی فریدون ناصری در رادیو تلویزیون به نواختن تار پرداخت و اینک با ارکستر سازهای ملی همکاری دارد.

جهانشاهی، رضا (Rezā Jahānšāhi): نوازنده چیره دست فلوت و برادر بزرگ هنرمند گرانقدر محمد حسین جهانشاهی.

جهانشاهی، محمد حسین (Mohammad Hoseyn Jahānšāhi): ملقب به ایرج میرزا.

محمد حسین جهانشاهی در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. از ۶ سالگی به موسیقی روی آورده و نواختن ضرب را آغاز کرد. کار جدی جهانشاهی در موسیقی از زمانی آغاز شد که با هنرمند شایسته؛ پرویز یاحقی آشنا شد و در ارکستر او به نواختن فلوت پرداخت. پس از چندی با ارکستر ابراهیم سلمکی شروع به کار نمود و کنسرت های بسیاری را در تهران و شهرستان ها اجرا نمودند. فعالیت های دیگر این هنرمند در ارکستر محمود ذوالفنون و ارکستر بهرام حسن زاده بود. جهانشاهی برای چند فیلم از جمله "پنجمین ازدواج" ساخته نصرت اله وحدت و "میهن پرست" ساخته درم بخش آهنگ ساخته که با صدای ایرج اجرا گردیده است. جهانشاهی در سال ۱۳۳۵ به شهرستان رشت رفت و همکاری خود را با رادیو رشت آغاز کرد. در این سال اولین کلاس موسیقی خود را بنام هنرگاه موسیقی دایر کرد.

جهان فرد، محمد (Mohammad Jahân-fard) : از صدابرداران رادیو که در سال ۱۳۲۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و در سال ۱۳۴۵ پس از موفقیت در آزمون رادیو، برای خبرنگاری و صدابرداری، دوره های اختصاصی را گذرانیده و سپس در زمینه صدابرداری مشغول بکار شد. او مسئول ضبط برنامه های گلهای رنگارنگ، گلهای جاویدان، گلهای صحرایی، یک شاخه گل، برگ سبز و گلهای تازه بود. محمد جهان فرد در سال ۱۳۴۹ خورشیدی، برای نخستین بار در ایران، اقدام به ضبط استریو نمود. او بیش از یک هزار برنامه موسیقی در رادیو ضبط نموده است.

جهان فر، نسترن (Nastarin Jahân-far) : از فارغ التحصیلان دوره سوم (خرداد ۱۳۵۷) هنرکده موسیقی ملی در رشته؛ کارشناس موسیقی ملی.

جهان فروز، محمد علی (Mohammad Ali Jahân-fruz) : معلم موسیقی در آموزشگاه های موسیقی تهران.

جهان، کافه (Kâfe Jahân) : محل تابستانی برای عرضه موسیقی در سال های پیش و بعد از ۱۳۳۵ خورشیدی که در سربل تجریش، اول خیابان های دربند و نیاوران قرار داشت و مهوش در آن به اجرای برنامه می پرداخت.

جهانگیر خان (Jahângir-xân) : تعزیه خوان دوره ناصری و همدوره با ملا حسین، میرزا غلامحسین که از آن ها در کتاب خاطرات و خطرات نوشته مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) نام برده شده است.

Ā,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z واه (Zâle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdân) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

جهانگیر مراد (Jahāngir-morād) : ملقب به حسام السلطنه در سال ۱۲۶۰ خورشیدی بدنیا آمد. او ویلن می نواخت و برخی از آهنگ ها و ترانه هائی را که با شعر ملک الشعرا بهار ساخته، هنوز باقی و معروف است. جهانگیر مراد، در ابتداء با ساز تار مانوس بود ولی شیبی در منزل اتابک اعظم با ویلن که توسط هنرمندی بنام سیاوش خان نواخته می شد، آشنا گردید، از این رو نزد، زنده یاد تقی دانشور رفت و آموختن این ساز را نزد او فرا گرفت.

جهانگیری، عباس (Abbās Jahāngiri) : معلم موسیقی در آموزشگاه های موسیقی تهران.

جهانگیری، مژده (Možde Jahāngiri) : نوازنده چیره دست کمانچه در ارکستر موسیقی سنتی آموزشگاه چنگ تهران به سرپرستی استاد جهانگیر کامیان.

جهان، محمود (Mahmud Jahān) : خواننده ترانه های بندری و از همکاران فعال گروه موسیقی خلیج در خوزستان. از این خواننده آلبوم "غروب بندر" در دسترس می باشد.

جهان موزیک (Jahāne Muzik) : شرکت تولید نوار، CD موسیقی ایرانی در سال های اول پس از انقلاب که در لُس آنجلس فعالیت داشت.

جهرمی رجبی، محمود (Mahmud Rajabi Jahromi) : از صدابرداران و صدا گذاران رادیو تلویزیون ایران در تهران.

جی [G] : نُت سُل [Sol] در نُت نویسی آمریکا، انگلستان و آلمان.